



فهرست

- ۱..... با اجازه شما می‌خواهم با نشاط باشم!.....۱
- ۳..... درک یا مدرک؟ مسئله این است!.....۳
- ۴..... پل میانبر.....۴
- ۵..... علم در خدمت جامعه.....۵

مدیر مسول و سردبیر:

مائده شریفی

هیئت تحریریه:

مریم مهرآور، الهه جدکاره
فاطمه گرشاسبی، زهرا مظهري

صفحه آرا: فائزه فاتحي

ویراستار: زهرا مظهري

صاحب امتیاز:

انجمن اسلامی دانشجویان

دانشکده شریعتی

(عضو دفتر تحکیم وحدت)



با اجازه شما می خواهیم با نشاط باشیم!

مریم مهرآور

جامعه زیرا دانشجو عضوی از جامعه است و نشاط او در نشاط خانواده خود، و در نهایت جامعه تاثیرگذار خواهد بود. با افزایش نشاط در دانشجویان، حس هدفمندی، مسئولیت پذیری و امید به آینده در آنان ایجاد می شود و در مقابل مشکلات و سختی ها از پای نمی نشیند. نشاط سازی در دانشگاه را در واقع باید در ابعاد معنوی و ظاهری جستجو کرد. شادی و نشاط ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند؛ به گونه ای نشاط یکی از عوامل شادی است؛ زیرا نشاط حسی درونی و قلبی است که با شادی بروز پیدا می کند. حضرت علی علیه السلام می فرمایند: "شادی باعث انبساط خاطر و سبب نشاط انسان میشود." بیشتر اوقات این دو واژه را به یک مفهوم در نظر می گیرند ولی میان این دو حالت روانی انسان تفاوت وجود دارد. گاهی نشاط و شادی هر دو با هم جمع هستند و آن زمانی است که فردی هم شاد است و سرحال و بانشاط، اما گاهی فرد با نشاط و سرحال است ولی شاد نیست، گاهی فرد شاد و خندان است ولی نشاط لازم برای انجام امور ندارد. نشاط از ریشه کلمه (نشط) گرفته شده به معنی سبکبالی و سرزندگی روحی و روانی؛ که باعث پویایی و تحرک می شود، و شادی به معنای شادمانی، خوشحالی، بهجت و مسرت است. دانشجویان بانشاط بدلیل لذتی که از لحظه های عمر خود می برند، از تحصیل و آموختن کمتر خسته میشوند در نتیجه عمر تحصیلی آن ها نسبت به افرادی که از نشاط روحی و جسمی بی بهره اند، بیشتر است؛

جوانی بهارزندگانی است، جوان سراسر شور، نشاط و شادمانی می باشد، انسان در دوره جوانی خود را به اهداف و آرزوهای نوجوانی نزدیک می بیند و تحقق آن ها را در دانشگاه می پندارد، دانشگاه برای حفظ سلامت روح و جسم دانشجویان باید حس علم جویی و در نتیجه هدفمندی را در آنان افزایش داده و از این طریق امیدواری به آینده را در دانشجویان روشن و در نهایت نشاط را در آنان ایجاد کند، زیرا وجود نشاط سبب رشد و شکوفایی یک فرد شده و در محیط نشاط آفرین، ذهن آدمی پویا و استعدادش شکوفا می شود. هنگامی که دانشگاه تبدیل به محیطی بانشاط شود و دانشجو حس علم طلبی را در کنار احساس مفید و موثر بودن برای جامعه و نتیجتاً امیدواری را در دانشگاه پیدا کند، با شوق بیشتری در این محیط حاضر شده و با تلاش بیشتری برای اهداف خود می جنگد. دانشگاه به عنوان یک نهاد علمی و فرهنگی می تواند با به وجود آوردن برنامه هایی باعث با نشاط تر شدن محیط علمی و در نهایت

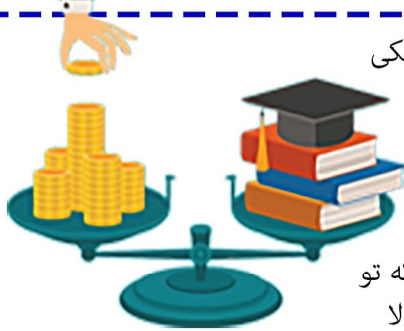


اگر جوان در محیط های ایمن مانند دانشگاه شادی و نشاط سالم را دریابد، روی به شادی کاذب می آورد؛ دانشگاه محیطی است که باید علم طلبی را در دانشجویان بوجود آورد تا زمینه های بعدی نشاط سالم در آنان ایجاد شود. به اجمال برخی از عواملی که سبب می شود دانشجویان نشاط کافی در دانشگاه حضور در کلاس نداشته باشند را می توان به این صورت نام برد؛ که سرفصل های ارائه شده به اساتید به روز نبوده و حتی بعضا تکراری نیز هستند، دانشجو علاقه ای به حضور در کلاس یا گوش دادن به تدریس استاد نداشته و از جمله معروف "خسته نباشید" قبل از پوشش کامل مبحث جلسه درس استفاده می کند؛ هنگامی که دانشجو متوجه می شود آموخته های وی فقط یکسری دانش بدون مهارت است و به هدف وی از قدم نهادن در دانشگاه که علم جویی در راستای فرد ماهر شدن بوده، نزدیک نکرده و حتی دورهم کرده است، علاقه ای به تحصیل علم نداشته و در نهایت فارغ التحصیلی به هدف نهایی دانشجویان تبدیل می گردد درحالیکه بعد از فارغ التحصیلی دانش مهارتی وی تکمیل نشده و احساس ناامیدی به دانشجوی فارغ التحصیل دست می دهد.

زیرا یکی از فواید شادی و نشاط که بر روی جسم و روح تاثیر می گذارد ترشح هورمون هایی است که سبب سلامت بدن، کاهش استرس، افزایش انرژی، بهبود تمرکز و حافظه می شود در نتیجه دانشجویان با نشاط آمادگی جسمی و ذهنی بیشتری برای یادگیری دارند.

دانشجوی بانشاط از نظر عاطفی و روحی آمادگی بیشتری برای علم طلبی دارد و همین احساسات مثبت در وی ایجاد انگیزه کرده و خود را فردی مفید و موثر در جامعه می پندارد که به هدف خود (کسب علم) کمک می کند؛ حس رضایتمندی درونی در او ایجاد می شود، دانشجوی با نشاط به فرد خلاق و کارآمد نیز تبدیل می گردد. نشاط باعث می شود افراد نگرشی خوشبینانه به زندگی و دیگران پیدا کنند و همین نگرش باعث امیدواری به زندگی و آینده می شود، امید زیباترین ویژگی یک خیال است که تصویری مثبت از آینده در ذهن انسان می سازد و به همین سبب در انسان روحیه خستگی ناپذیری در کار و تلاش می بخشد، تصاویر منفی و ناامید را از ذهن دور کرده، نشاط را در فرد ایجاد می کند و به دیگران نیز روحیه و امیدواری می دهد.





یهو وسط فکر کردن یاد حرف یکی
از دوستانم افتادم که شادی رو
از منظر اسلام برام تعریف
می کرد: «شادی و نشاطی
حلال و مثبتی که تاثیرش تمام
زندگیت رو شامل بشه و البته که تو
رو در مسیر رسیدن به هدف والا

(که مهم ترینش موفقیت، کسب رضایت خداوند و تقرب الهی
ست) حرکت بده و جلو بیره» بعدش به این فکر کردم که حالا
باید چی کار کنیم که این نشاط و انگیزه رو برای درس
خوندن (که یکی از مهم ترین و اصلی ترین امور زندگی مونه)
بیشتر کنیم تا اینکه در نهایت بتونیم اون رو در بخش های دیگه
ی زندگی مون هم پیاده کنیم؟! به نظرم یکی از مهم ترین هاش
شروع از خودمونه و تغییر خودمون برای سبک درس خوندن، اینکه
یادگیری برامون مهم باشه و اولویت، نه اینکه یه درسی رو با
نمره ی ۲۰ پاس کنیم، اما وقتی ۲۰ روز بعد راجع بهش ازمون سؤال
بشه به من و من بیفتیم و چیزی یادمون نیاد!

بعد اینکه خودمون رو اصلاح کردیم، وقت اصلاح فرهنگ هست
که میشه درخواست از اساتید حال حاضرمون برای فرهنگ
سازی تا این جریان صورت بگیره، شاید واقعا دلیل بعضی از این
راه و روش های غلط تدریس (که این همه سال باعث اذیت و
بی انگیزه بودمون شده) همین سکوت و عدم اعتراض و
درخواست ما بوده، که باعث ناآگاهی اساتید و شاید به منزله
ی مهر تایید بر این روش های اشتباهشون بوده. آخر هم اینکه
باید برای آینده برنامه ریزی و فرهنگ سازی انجام بشه،
فرهنگ سازی مقابله با مدرک گرایی که باید در تمامی مدارس،
دانشگاه ها و موسسات و شرکت ها صورت بگیره. تربیت نیروی
مدرس با علم و آگاهی به این فرهنگ، و از طرفی جا انداختن
این فرهنگ برای مسئولین و رؤسای مراکز که افراد پس از فارغ
التحصیلی برای اشتغال به اون ها مراجعه می کنند. تا این
روند تحصیلی از مدرسه تا دانشگاه و بعد از فارغ التحصیلی و
ورود به عرصه ی کار به بهترین نحو ممکن صورت بگیره، یعنی
طوری که افراد بر اساس زحمت و تلاش شون، به نمره و کار
متناسب با خودشون دست پیدا کنند و همه چیز در یک مدرک
خلاصه نشه! دیگه خوابش برده بود ولی از سر جلسه ی امتحانش
که برگشت، باید راجع به این مسائلی که بهشون فکر کردم
برسه اون هم مثل من.

درک یا مدرک؟ مسئله این است!



فاطمه گرشاسبی

نشسته بود روی تختش، کلافه بود، این رو کاملا از روی رفتارش
می شد فهمید، دو خط درس می خوند، یه نگاهی به گوشی
موبایلش می انداخت، چندتا جمله با هم تختی کناریش حرف
می زد، یه چیزی می خورد و دوباره از اول! مثلا داشت درس می
خوند اما... من که این کلافگی شو دیدم، پرسیدم: پس چرا
اینطوری درس می خونی؟! مگه تو فردا امتحان
نداری؟!!

گفت: چرا، امتحان دارم ولی اصلا حوصله ی درس خوندن ندارم...
اصلا این همه سال درس خوندم چی شد؟! از این به بعد فقط
در حدی می خونم که پاس بشم، همین بسه دیگه!
پرسیدم: چرا انقدر بی انگیزه ای تو دختر؟! چی تو رو انقدر به
درس خوندنت و حتی زندگیت بی تفاوت کرده؟! چرا اینطوری
شدی تو؟! گفت: آخه نداشتن، انگیزه ای برامون نداشتن... وقتی فقط
مدرک مهمه، دیگه چه فرقی میکنه این درس رو با نمره ی
۱۸ و ۱۹ پاس کنم، یا ۱۰ و ۱۱؟!!



وقتی فقط داشتن این لیسانس و فوق لیسانس که مهمه و برای
کار کردن تو هر شرکت و موسسه و اینجور جاها میگن مدرکت
چییه و از اینکه چقدر درس و کار رو فهمیدی و بلدی سؤالی
نمیکنن، یا از نمره ات نمی پرسن؛ نه دیگه نمره برام مهمه و نه
انگیزه ای برای یاد گرفتن دارم... واقعا کمن افرادی که براشون
مهمه دانش آموز و دانشجو واقعا درس رو یاد گرفته یا نه،
اینکه میتونه از درسی که خونده، برای کارش، زندگیش و آینده
اش استفاده کنه یا نه! و اینکه این همه درس خوندن تاثیر
مثبتی روی زندگیش داره یا نه؟! همه ی ایناست که امید و انگیزه
رو از آدم می گیره و خب منم مثل همه این چیزا بی انگیزه ام
کرده... دیگه حرفی برای گفتن نداشتم، سکوت کردم و رفتم تو
فکر... فکر که می کردم دیدم یه جورایی داره درست میگه؛ تمام
دوران تحصیلم، از ابتدایی تا به حالا رو توی ذهنم مرور کردم؛
تعداد معلم ها و اساتیدی که سر کلاشون نگران نمره نبودم و
فقط و فقط دنبال یاد گرفتن و فعالیت بودم، انگشت شمار
بود استادی که نه فقط برای کلاشون انگیزه داری، بلکه اون
انگیزه و نشاط و شادی رو، به کل زندگیت هم تزریق می کنند،
حتی برای همون یک روز از زندگیت...



پل میانبر

زهرا مظهري

راه حل این مسئله این است که در سیستم آموزشی تحولی ایجاد شود و در سیستم جدید به آموزش های تئوریک کمتر و در حد کلیات بسنده شود و جای آنها را آموزش های عملی و کاربردی بگیرند. اما این راه حل تقریباً یک راه حل آرمانی به نظر می رسد و رسیدن به آن تقریباً غیرممکن و یا دست کم بسیار زمان بر است.

در این میان یک نکته مهم دیگری وجود دارد؛ اینکه علاوه بر دانشجویان که به کار نیازمند هستند، صنایع هم برای تداوم حضور در بازار ناچارند ارتباط خود را با دانشگاه ها تقویت کنند که در این بین در حال حاضر برای حل این مشکلات بهترین پل ارتباطی پارک های علم و فناوری هستند و به طور ویژه ای برای صنایع کوچک و متوسط کمک حال هستند تا با این پل دیده شوند و به اهداف خود برسند.

پس مراجعه به پارک های علم و صنعت و نمایشگاه های مرتبط با رشته تحصیلی از بهترین و سریع ترین راه ها برای رسیدن به شغل است که حتی می توان آن ها را راه میانبر هم خواند.

یکی از دغدغه های دانشجویان به ویژه در سال های اخیر که منجر به ناامیدی و از دست دادن انگیزه و اعتماد به نفس در آنها شده است مشکل پیدا کردن شغل پس از فارغ التحصیلی و گرفتن مدرک است. البته این تنها یک روی سکه است، روی دیگر سکه این است که وقتی بعد از تلاش های فراوان بالاخره موفق به پیدا کردن یک شغل مرتبط با رشته خود شدند، با مشکل دیگری مواجه می شوند این که عملاً هیچ کاری بلد نیستند انجام بدهند، چرا که در دانشگاه تنها آموزش های تئوریک به آنها داده شده است. در نتیجه مجبور هستند تا مدت ها بدون حقوق کار کنند تا آموزش های اولیه را کسب کنند، البته به اصطلاح کار و در واقع بیگاری! این آینده مبهم و حتی گاهی سیاه باعث شده است تا دانشجویان از همان ابتدای مسیر دچار یاس و ناامیدی شوند چون احساس می کنند درس خواندنشان فایده ای ندارد و حتی به ابتدایی ترین خواسته و هدف خود که کسب شغل است؛ نمی رسند.



علم در خدمت جامعه



الله جداکاره

که با ایجاد پله هایی برای تقویت کاربردی شدن علم نظیر حضور همزمان دانشجو در حوزه عملی تخصص خود از بدو تحصیلات بصورت کارآموزی و فرهنگ سازی در زمینه احیاء دانش فراگرفته توسط قشر تحصیل کرده در بطن زندگی با به روز رسانی کتب و سرفصل های تحصیلی و شاید تغییر نوع آموزش در دانشگاه ها، تجدید نظر در پذیرش ها چه برای اساتید و چه دانشجو و سعی در تمهیداتی نظیر فضا های هماهنگ با آرمان های ایرانی اسلامی میتوان در کاربردی شدن علم نقشی ایفا کرد؛ چرا که علوم وارد محیط فیزیکی می شود و نهایتاً منجر به خلق فناوری و ورود به محیط های صنعتی می شود که این بستری می گردد برای ایجاد فضای کار و اشتغال نیروی انسانی تحصیل کرده جامعه و در اقتصاد هم نقشی اثر گذار دارد، حقیقت این است که اگر علم را به همان تعبیر عامه دانش فرا گرفته بدانیم و آن را در عمل نیز اجرا کنیم در شخصیت و روان ما به مثابه تحولات درونی و نگرشی ایجاد آرامش و تعادل را به همراه دارد. علم به عنوان بالاترین و برترین هدیه خداوند به بشر مسئولیت را برای ما دوچندان کرده چرا که انسان خلیفه الله روی زمین باید در خدمت جامعه باشد و علم نیز بخش مهمی از اجزا مدد رسان خدمت است که با پیدایی توانمندی افراد متخصص علم در خدمت جامعه می شود و فضایی هماهنگ تر با اصول و آموزه های دینی و اسلامی حاکم می گردد. نتیجتاً به کار بردن آگاهی های عملی در یک محیط فیزیکی زمانی ایجاد می شود که با سنجش علم و تجزیه و تحلیل کمیت و کیفیت آن و توجه به نیازها و نواقصات موجود و واقعی قشر تحصیل گر و برنامه ریزی و بستر سازی بعد از بستر سنجی و از لحاظ تغییرات موجود ممکن است .

مهارت آموزی و علم اندوزی از عمده فعالیت های بشر امروزی شناخته می شود که می توان آن را بخش جدایی ناپذیر از فعالیت هایش محسوب کرد ، اما مسئله ای که اکنون در حوزه آموزشی به چشم می خورد این است که علی رغم تحولات انجام شده ، کمبود تحولات بنیادی در دو امر مذکور هویداست ، باوجود پتانسیل های فراوان در نسل جوان و گستردگی علم مسلم است که نه تحصیلاتی که از مرحله دانش عبور نکند و به علم برسد و نه علمی که کاربردی نشود، به چشم انداز های حوزه آموزش و تحولات آن کمکی نخواهد کرد ؛ پس با این علوم تا حدودی منسوخ شده و شاید به روز نشده در حوزه آموزشی به ویژه دانشگاه ها نتیجه ای جز پیشرفت تحصیلات تئوریک و مدرک گرایی حاصل نمی شود و از سوی دیگر مدرک گرایی و عدم اشتغال متناسب با تخصص افراد به علت عدم وجود بستر سازی موجب ایجاد ناامیدی و نارضایتی بخشی چشم گیر از قشر دانشگاهی و سایرین شده که انگیزه و روحیه مثبت را تا حدودی از آنها گرفته است. مهارت آموزی که صرفاً به چند واحد عملی بسنده شده است و هر کدام هم دارای نواقصاتی است، به شیوه خود از روند اثر گذاری مثبت کار می کاهد من جمله آنها همان به روز نبودن علم و تناقض علم اساتید با درس مورد تدریس است عدم مشارکت دانشجو در جویش علم و کاهش مسئولیت پذیری آنها شده است.



جوانهای کشور ما - که بحمدالله اکثریت ملت ما
جوآند - برای آیندهی این کشور خودشان را آماده کنند؛
جوانها از هر قشری - بخصوص قشرهای تحصیل کرده -
باید بدانند آیندهی این کشور متعلق به آنها و دست
آنهاست. امروز شما هستید که فردای این کشور را با
دستان و ارادهی خودتان میسازید و طراحی میکنید.

۱۳۸۵/۹/۲۲

مقام معظم رهبری



@AnjomanEslami_SU

